

جک از یک مزرعه‌دار در تگزاس یک الاغ خرید به قیمت ۱۰۰ دلار.
قرار شد که مزرعه‌دار الاغ را روز بعد تحویل بدهد. اما روز بعد مزرعه‌دار سراغ جک آمد و گفت: متأسفم. خبر بدی برات دارم. الاغه مرد.

جک جواب داد: ایرادی نداره. همون پولم رو پس بده.

مزرعه‌دار گفت: همیشه. آخه همه پول رو خرج کردم.

جک گفت: باشه. پس همون الاغ مرده رو بهم بده.

مزرعه‌دار گفت: میخوای باهاش چی کار کنی؟

جک گفت: میخوام باهاش قرعه‌کشی برگزار کنم.

مزرعه‌دار گفت: همیشه که یه الاغ مرده رو به قرعه‌کشی گذاشت.

جک گفت: معلومه که میتونم. حالا ببین. فقط به کسی نمیگم که الاغ مرده است.

یک ماه بعد مزرعه‌دار جک رو دید و پرسید: از اون الاغ مرده چه خبر؟

جک گفت: به قرعه‌کشی گذاشتم. ۵۰۰ تا بلیت دو دلاری فروختم و ۹۹۸ دلار سود کردم.

مزرعه‌دار پرسید: هیچ کس هم شکایتی نکرد؟

جک گفت: فقط همونی که الاغ رو برده بود. من هم دو دلارش رو پس دادم.

نکته!

همیشه در هر شکستی یک فرصت جهت بهره برداری هست.